



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۱۰۸	تاریخ	۱۴۰۴/۰۲/۲۳
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی در نسبت با اصول عملیه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور بحث پیشین

در بحث گذشته، به اینجا رسیدیم که اگر دو علم اجمالی منجز داشته باشیم که در یک «مادة الاجتماع» (نقطه تلاقی) با یکدیگر تضاد پیدا کنند - مثلاً یکی مقتضی وجوب آن ماده و دیگری مقتضی حرمت همان ماده باشد، تنجیز هر دو علم اجمالی نسبت به آن «مادة الاجتماع» ساقط می شود. دلیل این سقوط، عدم امکان اطاعت مولا در فرض اجتماع دو تکلیف متضاد، یا به تعبیر دیگر، عدم امکان احراز فراغ ذمه از تکلیف واقعی در آن ماده است؛ زیرا لازمه اش اتیان به نقیضین غیرقابل جمع می باشد که محال است. بنابراین، چون امتثال در مادة الاجتماع محال است، آن مورد از دایره حقی الطاعة مولا خارج شده و علم اجمالی از تنجیز می افتد. مثالی که مطرح شد، دوران امر بین وجوب نماز ظهر و نماز جمعه بود؛ در حالی که خبری - با حجیت از علم اجمالی مبنی بر به وجود اخبار تحریمی مطابق با واقع - دلالت بر حرمت نماز جمعه می کرد.

ب. تکلیف در مادة الافتراق

حال پرسش این است که این دو علم اجمالی متضاد که در «مادة الاجتماع» از تنجیز ساقط شدند، آیا نسبت به مادة الافتراق خودشان - یعنی اطراف دیگر هر یک از این دو علم اجمالی که در نقطه تلاقی قرار ندارند - نیز از تنجیز می افتند یا تنجیزشان نسبت به مادة الافتراق به حال خود باقی می ماند؟

به عنوان مثال، در مسئله دوران امر بین نماز ظهر و نماز جمعه در روز جمعه:

- علم اجمالی اول: وجوب یکی از دو نماز (ظهر یا جمعه)، «مادة الافتراق» آن، نماز ظهر است.
- علم اجمالی دوم: با فرض ورود خبر دال بر حرمت نماز جمعه که اعتبارش از علم اجمالی به صدق برخی اخبار تحریمیه ناشی شده، حرمت یکی از اعمال (نماز جمعه) بیان شده است. مادة الافتراق آن، سایر اخبار تحریمی واقعی غیر از خبر حرمت جمعه است.

«مادة الاجتماع» در اینجا نماز جمعه است که هم طرف علم اجمالی به وجوب (احتیاطی) و هم طرف علم اجمالی به حرمت قرار گرفته و گفتیم تنجیز هر دو نسبت به آن ساقط است. حال تکلیف نماز ظهر (مادة افتراق علم اول) و سایر محرمات محتمل (مادة افتراق علم دوم) چیست؟

در اینجا دو فرض اصلی قابل طرح است:

فرض اول: تولد علم اجمالی سوم از ترکیب دو علم اجمالی متضاد

فرض اول این است که از ترکیب این دو علم اجمالی متضاد (که در یک ماده اجتماع دارند)، یک علم اجمالی سوم و جدیدی نسبت به دو ماده افتراق متولد شود. یعنی این دو ماده افتراق، خودشان طرف یک علم اجمالی ثالث قرار گیرند. برای این مورد، چنین می توان مثال زد:

فرض کنید علم اجمالی داریم به وجوب انفاق بر یکی از دو عالم، زید یا عمرو. و علم اجمالی دیگری داریم به حرمت انفاق بر یکی از دو فاسق، عمرو یا خالد. در اینجا، عمرو ماده الاجتماع این دو علم اجمالی است. گفته می شود در این حالت، علم اجمالی سومی متولد می شود مبنی بر اینکه: «یا انفاق بر زید واجب است، یا انفاق بر خالد حرام است». به طور خلاصه:

- علم اجمالی اول: وجوب انفاق بر یکی از دو عالم (زید یا عمرو)؛ مثلاً به سبب نذر یا امر والد.
- علم اجمالی دوم: حرمت انفاق بر یکی از دو فاسق (عمرو یا خالد).
- «مادة الاجتماع»: «عمرو» است که هم یکی از دو عالم محتمل الوجوب انفاق است و هم یکی از دو فاسق محتمل الحرمة انفاق. تنجیز هر دو علم اجمالی نسبت به «عمرو» ساقط است.
- «مادة الافتراق» علم اول: «زید» (عالم).
- «مادة الافتراق» علم دوم: «خالد» (فاسق). در اینجا، علم اجمالی سوم متولد می شود: یا انفاق بر «زید» واجب است، یا انفاق بر «خالد» حرام است.

مرحوم شهید صدر رحمته الله علیه مثال دیگری بیان می کنند - که با اندکی تغییر برای وضوح- چنین است: علم اجمالی به وجوب شرب یکی از دو ظرف شرقی داریم. علم اجمالی به حرمت شرب یکی از دو ظرف قرمز رنگ داریم. اتفاقاً یکی از ظروف شرقی، همان یکی از ظروف قرمز رنگ است (مادة الاجتماع). از این دو، علم اجمالی سومی نسبت به دو ظرف غیر مشترک (ظرف شرقی غیر قرمز، و ظرف قرمز غیر شرقی) پدید می آید. به طور خلاصه:

- علم اجمالی اول: وجوب شرب یکی از دو ظرف شرقی (ظرف الف یا ظرف ب).
- علم اجمالی دوم: حرمت شرب یکی از دو ظرف قرمز رنگ (ظرف ب یا ظرف ج).
- «مادة الاجتماع»: ظرف «ب» است که هم شرقی و هم قرمز رنگ است. تنجیز هر دو علم اجمالی نسبت به ظرف «ب» ساقط است.
- «مادة الافتراق» علم اول: ظرف «الف» (شرقی).
- «مادة الافتراق» علم دوم: ظرف «ج» (قرمز رنگ). در اینجا، یک علم اجمالی سوم متولد می شود: یا شرب ظرف «الف» واجب است، یا شرب ظرف «ج» حرام است.

چگونگی تولد علم اجمالی سوم

تولد این علم اجمالی سوم مبتنی بر یک قضیه مسلم در باب علم اجمالی است؛ مبنی بر اینکه هر علم اجمالی، مستلزم وجود یک قضیه شرطیه است. مفاد این قضایای شرطیه چنین است: «اگر معلوم بالاجمال (مثلاً تکلیف) در این طرف باشد، پس در طرف دیگر نیست و اگر در طرف دیگر نباشد، پس در این طرف هست». به تعداد اطراف که در علم اجمالی وجود دارد، چنین قضیه شرطیه‌ای وجود خواهد داشت.

حال این قاعده را بر مثال اتفاق تطبیق می‌دهیم:

از علم اجمالی اول (وجوب اتفاق یا برزید یا بر عمرو) نتیجه گرفته می‌شود که اگر اتفاق بر عمرو واجب نباشد، پس قطعاً اتفاق بر زید واجب است (قضیه شرطیه ۱). بنابر علم اجمالی دوم (حرمت اتفاق یا بر عمرو یا بر خالد) نتیجه چنین می‌شود که اگر اتفاق بر عمرو حرام نباشد، پس قطعاً اتفاق بر خالد حرام است (قضیه شرطیه ۲).

حال با توجه به اینکه اتفاق بر عمرو (ماده الاجتماع) یا واجب است یا حرام نمی‌تواند هر دو باشد و نمی‌تواند هیچ‌کدام هم نباشد، زیرا فرض بر وجود این دو علم اجمالی مستقل است که هر یک حکمی را برای عمرو به نحو تردید اثبات می‌کنند: اگر فرض کنیم اتفاق بر عمرو «واجب» است (یعنی طرف اول علم اجمالی اول، مطابق با واقع است): در این صورت، اتفاق بر عمرو «حرام نیست» (زیرا وجوب و حرمت در یک شیء جمع نمی‌شوند). حال طبق قضیه شرطیه ۲، چون اتفاق بر عمرو حرام نیست، پس قطعاً اتفاق بر خالد حرام «است». نتیجه این فرض، وجوب اتفاق بر عمرو یا حرمت اتفاق بر خالد است.

اگر فرض کنیم اتفاق بر عمرو «حرام» است (یعنی طرف اول علم اجمالی دوم، مطابق با واقع است): در این صورت، اتفاق بر عمرو «واجب نیست». حال طبق قضیه شرطیه ۱، چون اتفاق بر عمرو واجب نیست، پس قطعاً اتفاق بر زید واجب «است». نتیجه این فرض، حرمت اتفاق بر عمرو یا وجوب اتفاق بر زید خواهد بود.

از ترکیب این دو نتیجه، یک علم اجمالی سوم و جدید نسبت به طرفین ماده افتراق شکل می‌گیرد: «یا اتفاق بر زید واجب است، یا اتفاق بر خالد حرام است».

نتیجه فرض اول

اگر از ترکیب دو علم اجمالی متضاد اولیه، علم اجمالی سومی نسبت به دو ماده الافتراق متولد شود، این علم اجمالی سوم، خود منجز خواهد بود و باید به مقتضای آن (لزوم احتیاط در اطراف خودش) عمل کرد. سقوط تنجیز دو علم اجمالی اولیه در «ماده الاجتماع»، تأثیری بر تنجیز این علم اجمالی سوم متولد شده نسبت به «ماده الافتراق» نخواهد داشت.

فرض دوم: تفاوت میان علم اجمالی ناشی از برهانی و علم اجمالی ناشی از حساب احتمالات

اینکه از ترکیب دو علم اجمالی متضاد، علم اجمالی سومی متولد می‌شود، مطلب جدیدی در اصول نیست و در آثار اصولیون پیشین نیز مطرح بوده است و مبتنی بر تحلیل منطقی و برهانی است. مرحوم صدر در ادامه این بحث، نکته جدید و دقیقی را مطرح می‌کنند. ایشان می‌فرمایند باید میان دو نوع علم اجمالی تفکیک قائل شد:

۱. علم اجمالی حاصل از برهان: مانند همین علم اجمالی سومی که از طریق قضایای شرطیه و تحلیل منطقی به دست آمد.

۲. علم اجمالی حاصل از حساب احتمالات: مانند علمی که از تراکم ظنون و احتمالات متعدد حاصل می‌شود.

مرحوم صدر معتقدند که آثاری که بر این دو نوع علم اجمالی مترتب می شود (خصوصاً در بحث تنجیز و سقوط آن نسبت به ماده الافتراق)، ممکن است متفاوت باشد.
این تفاوت و آثار آن، بحث جلسه آینده خواهد بود.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین